

عقل نزد نحله‌های کلامی (شیعه،  
معتزله، اهل حدیث، سلفیه، ماتریدیه)

عنوان انگلیسی:

عنوان عربی:

نویسنده: محمد سالم محسنی

استاد راهنما: علی عباسی

مقطع: کارشناسی ارشد

استاد مشاور: محمد رضاپور

رشته:

استاد ناظر:

دانشگاه: جامعه المصطفی

تاریخ دفاع: 1386

واحد:

کلمات کلیدی: عقل، کلام، شیعه، اهل حدیث، معتزله، اشاعره، سلفیه

شناخت حدود ورود عقل در قلمرو دین، از مسائل مهم کلامی است، که متکلمان اسلامی نیز به صورت جدی، دیدگاه‌های خاص خود را در این زمینه ابراز کرده‌اند. مسأله اصلی پژوهش حاضر پیگیری این موضوع است که نقش عقل در فهم و اثبات آموزه‌های دینی چیست، و نحله‌های کلامی مسلمان مانند شیعه، اهل حدیث، معتزله، اشاعره، ماتریدیه، و سلفیه در این زمینه چه دیدگاهی دارند؟ با توجه به گستردگی قلمرو تحقیق، از هر فرقه‌ای به دیدگاه یکی از برجسته‌ترین متکلمان آن اکتفا شده است. متکلمان و حکیمان، عقل را در معانی مختلفی استعمال کرده‌اند، از جمله: عقل غریزی، عاقل و معقول، تمامی علوم و معارف، آرای محموده، عقل نظری، عقل عملی، عقل جوهری، و موارد دیگر. معنای مورد نظر در این پژوهش، همان عقل نظری و عملی می‌باشد. اهل حدیث بر ظواهر متون دینی تأکید می‌ورزند، و متکلمین را به خاطر بهره‌گیری از عقل برای تفسیر متون دینی مذمت می‌کنند. معتزله پای عقل را در تمامی امور دینی به میان کشیده، و قایل به استفاده حداکثری از عقل در مسایل دینی هستند. اما متکلمان شیعی رویکرد یکسانی نداشته‌اند، برخی استفاده کمتری از عقل کرده‌اند و برخی بیشتر؛ اما از مجموع آرای آن‌ها نوعی اعتدال و میانه روی در استفاده از عقل استنتاج می‌شود. اشاعره نقش عقل را بسیار کم‌رنگ کرده‌اند. ماتریدیه جزو موافقان دخالت عقل در مباحث کلامی هستند. سلفیه نیز به ظاهرگرایی اهل حدیث بسیار نزدیک می‌باشند. بر این اساس می‌توان گفت که به طور کلی نحله‌های کلامی اسلامی به دو گرایش موافق و مخالف دخالت عقل در قلمرو آموزه‌های دینی تقسیم می‌شوند. اهل حدیث و سلفیه از جمله مخالفان محسوب می‌شوند. اما موافقان دخالت عقل، خود از جهت میزان دخالت عقل، به گرایش‌های افراطی تا گرایش‌های حداقلی و معتدل، تقسیم می‌شوند. معتزله از موافقان افراطی عقل، اشاعره از موافقان حداقلی، و شیعه از موافقان معتدل به شمار می‌روند.